

فصل پنجم: عوامل مربوط به خانه و زندگی در تحریک کودکان

این تذکری است به والدین و مربیان و کسانی که دست اندرکار امور اجتماعی هستند و آن اینکه بچه‌ها را موجوداتی کورو کر و گیج و بیخبر از هرجا مپندارید. اینان از حدود ۶ سالگی و گاهی هم زودتر از آن به بسیاری از مسائل و روابط والدین و آنچه که در اجتماع می‌گذرد آگاهی دارند.

ما کودکانی رامی‌شناسیم که در خانواده متوجه ایماء و اشاره والدین نسبت بهم و حتی گاهی رمز گوئی های شان میباشند ولی لازم نمی‌بینند که آن را با پدر و مادر در میان نهند و هم دیده شده که آنها نسبت به روابط والدین هشیارند آنچنان که حتی مصلحت نیست در اطاق پدر و مادر بخوابند و سوسه‌های موزیانه و فریکارانه آن‌ها را وامیدارد که خود را به خواب بزنند و از امور و جریانات بیشتر سردر آورند.

غرض اینکه تحریک پذیری کودکان از هر کجا و بهر صورتی که باشد در سرنوشت آنها تأثیر میگذارد. آنها از هر کجاکه تحریک شوند یک مقصد را پی میگیرند که مقصد تکرار و تقلید و در نتیجه لذتجوئی است. بهنگامی که طفل نخستین بار لذتی را احساس کند آن را مکرر و مکررتر میکند، امری که پدران و مادران توقع آن را نباید داشته باشند.

تحریک پذیری
جانیسی

کودکان و نوجوانان

واجتماع است و تجربه‌ها نشان داده اند که در خانواده و محیطی که ضابطه و قاعده‌های حاکم است چنین لغزشهایی کمتر وجود خواهد داشت .

۲- شوخی‌ها و ایماء و اشاره‌ها :

تماشای شوخیهای رکیک و زننده درخانه، مدرسه و اجتماع، شنیدن طنزها و کنایات و استعاراتی که منجر به روابط جنسی درحضور کودکان می‌شود ، تبادل ایماء و اشاره در خانه درحضور کودک و لبخندهایی که برلبان والدین دراین رابطه نقش می‌بندد اطفال را نسبت به آن حساس کرده و وادارشان میسازد که دراین موارد کنجگاو شوند .

درصورتیکه خودکودکان از این طنزها و اشارات سخن گفتن باگوشه چشم سردرآورده باشند و عواقب عملی آن را دریافته باشند این امر موجب تحریک آنها شده و وادارشان میسازد که لاف‌ل دررتنهائی و انزوا برنامه‌ای را پیاده کرده و بالااقل سرگرم التذاذ خویش شوند .

براین اساس بیداری کودکان دراین رابطه خود مساله‌ای است و ممکن است تدریجا " زمینه و موجبات را برای لغزش آنان فراهم آورد و پدران و مادران دراین رابطه باید هشیار باشند و شما میدانید که در محیط خارج از خانواده نیز اسلام اجازه این قبیل امور را نمی‌دهد .

۳- استبدادها :

تحقیقی دراین زمینه صورت گرفته و نشان میدهد که رابطه‌ای است بین استبداد والدین و ایجاد جو خفقان‌شان بالغزش‌های جنسی و حتی تحریک جنسی فرزندان .

براین اساس محیط خانه و اجتماع باید مناسب برای زندگی کودک بوده و لااقل بیدار کننده نباشد . مادران بحث جنبه‌هایی در محیط را بیشتر مطرح میکنیم که در لغزاندن کودکان و تحریک آنها نقش فوق العاده‌تری دارند و این جنبه‌ها ممکن است درخانه مورد نظر باشند یا در اجتماع :

۱- محیطی بند و بار :

برخی از مریبان غرب و طرفداران مکاتب روانشناسی آن قائل به بی بند و باری محیط در زمینه مسائل جنسی هستند و حتی ضروری نمی‌بینند که دراین رابطه شرم و حیائی هم مطرح باشد . قائلند که منع‌ها و پنهان کردن‌ها آتش آدمی را تیر کرده و منجر به محرومیت و ناکامی خواهد شد .

اینان گمان دارند که اگر فرد در محیطی بی بند و بار و در معرض عرضه آزاد قرار گرفت دیگر مساله‌ای نخواهد شد و با احساس سیری از آن راحت خواهد شد . غافل از آنکه در محیط بی بند و بار هوسها دائما " تحریک شده و افراد را وا میدارد که برای ارضای خویش باعمال زشتی دست بزنند . زندگی آزاد و بی بند و بار، استحمام والدین و پسر و دختر باهم ، نادیده گرفتن شرم و حیاء زمینه را برای تشدید انحراف جنسی فراهم آورده و تحریک شان را نو به نو تجدید خواهد کرد . همین امر در مواردی سبب پیدایش بلوغ زودرس شده که آفتی برای خانواده



۴- پوشیدن لباس نامناسب :

در این رابطه لااقل از دوساله باید سخن بمیان آورد ، یکی پوشیدن لباس جنس مخالف است و دیگر پوشیدن لباس تحریک کننده .

والدینی که مثلا " پسر دارند ولی هوسشان بدنیآ آمدن دختر بود ویا برعکس، در نتیجه لباس جنس مخالف را به او پوشانده وحتی آرایشها و آداب و رسوم آن را در نظر میگیرند ناخود آگاه فرزندان خود را به سوی انحراف سوق میدهند و در مواردی خاص موجبات تحریک خود آنها ویا گرسنگان شهوت را در دیدارشان فراهم می آورند و شما میدانید که بر اساس تعالیم اسلامی پوششهای جنس مخالف را داشتن ممنوع شده است .

در مورد دوم ذکر این نکته ضروری است که لباس های چسبان و تنگ ، جامه های زیربانم زبرین زمینه را برای تحریک فراهم می آورد که والدین و مربیان در این رابطه نیز باید هشیار باشند . ما در بحث های پیشین هم به آن اشاراتی داشتیم .

۵- آراستن ها :

در همین زمینه باید از آراستن ها سخن بمیان آوریم و این عبارتی عام است . آرایش زن و شوهر خود را برای یکدیگر امری است لازم و مورد توصیه و سفارش اسلام . امام موسی بن جعفر (ع) فرمود قومی در گذشته خود را برای همسران شان نیاراستند و سرانجام کارشان به انحراف کشید و . . .
اما نکته قابل ذکر این است در خانواده های که

فرزندان راجع به این مسائل بیدار باشند ویا در خانه ای که فرزندان جوان ویا بالغ زندگی میکنند این آراستن ها باید بحداقل کاهش پیدا کند و یارنگ وچهره دیگری بخود بگیرد . زیرا دیدار این امور برای فرزندان ، تحریک کننده ویا لااقل هشدار دهنده است .

وضع بهمین گونه است در زمینه آرایش اطاق برای فرزندان نوجوان که گاهی آنچنان است که جنبه تحریک و بیداری به آنان میدهد بویژه برای آنها که در مسیر لغزشند و اطلاعاتی از روابط والدین و مربیان داشته ویا داستانهای را در این زمینه مطالعه کرده اند .

۶- بیداری نسبت به روابط والدین :

این نکته را هشدار دهیم که سنین ۵-۸ سنین مهمی از نظر تربیت است چون کودک مرتبا " می بیند ، می شنود و چون درس تمیز است میکوشد که این چنین باشد واز روابط و اسرار سردر آورد .

آنها در حین جستجو گاهی ناظر روابط والدین میشوند واز ناز و نوازشها و حرکات شان اطلاعاتی پیدا میکنند این امر در مواردی بسیار احساسات آنها را برمی انگیزاند و اندیشه آن تا مدت ها ذهن شان را بخود مشغول میدارد . بعدها بتدریج در این زمینه آگاهی هائی بدست می آورند و در صورت تکرار بصورتی ناخود آگاه تحریک جنسی شده و خوابهای جنسی می بینند کودکانی که تیزهوش ترند خیلی زودتر از آنچه که پدران و مادران گمان میکنند در این زمینه اطلاعات بدست می آورند و چون عملی تر می اندیشند کمتر از آن می پرسند و یا شرم و ترس - شان مانع پرسش شان می شود . در کل این نکته

ویا تلویزیون برای کودک و نوجوان اضطراب انگیزاست و از نظر تربیت در این جنبه باید هشیار بود. اصولاً "تماشای چنین صحنه‌ها برای کودکان و نوجوانان از نظر مربیان بزرگ ممنوع است. وجود چنین صحنه‌هایی که شرایط ناسا مطلوبش میخوانیم سبب برانگیختن اضطراب در کودک و نوجوان میشود و آنان برای تسکین خود تن به انزواجوئی و در پی آن حالت خود ارضائی میدهند. این امر برای کسانی که لغزش و آلودگی هائی از پیش داشته اند بیشتر صادق است.

در همه حال واکنش غیر متعارف والدین نسبت به هم باید تحت ضابطه در آید. در روابط شرارت آمیز و بگومگوهای که در آن طفل امنیت خود را در مخاطره ببیند برای او خطر آفرین است. وضع همین گونه است در مورد عیبجوئی - های والدین از کودک که محیط نامساعد و نامطلوبی را برای کودکان پدید می آورد و تهدیدی برای امنیت آنهاست.

۹- تقلیدها:

کودکانی که شاهد صحنه‌ها و روابط جنسی هستند دوست دارند همان وقایع و جریان را به مرحله اجرا و عمل در آورند. شوخی‌های رکیک و بدآموز، لمس‌ها و در آغوش کشیدن‌ها، بوسه‌های توأم با نوازش و معنی دار برای کودکان و حتی در مواردی نوجوانان معنای جنسی ندارد ولی این عیب را دارد که آنان از این صحنه‌ها ذهناً "عکسبرداری میکنند و در مواردی ادای آن را در می آورند.

قابل ذکر است که احساسات و عواطف پدر و مادر هر چند که بظاهر نسبت بهم خاموش باشند بازهم کودکان از آن سردر می‌آورند و در جستجو هستند که آنها را در آن حالات بیابند.

۷- شرایط نامساعد:

روابط آشفته خانواده، تماشای پنهانی روابط والدین و دیگران، اغفال‌های جنسی که در اجتماع واقع شده ویا ذکرش بمیان می‌آید، نوازش‌های نیندیشیده والدین از دختران و پسران شان، ضعف کنترل‌های اخلاقی در خانه و مدرسه، اشتغالات ناکافی و پاکافی و لـــــــی اضطراب انگیز سبب توسعه انحرافات و گسترش آن در زندگی کودکان و نوجوانان می شود.

کودکی که درست مورد توجه قرارنگیرد، در محیطی باشد که در آن کنترلی وضابطه‌ای اخلاقی حکومت نمی‌کند، در اجتماعی باشد که در آن بیماران و آلودگان جو بدی را برای زندگی پدید آورده‌اند، وهم در محیطی که رفتار پدر و مادر نسبت بهم وهم نسبت به کودک ناخود آگاه صورت انتقال احساس جنسی را دارد طفل در معرض خطر است و تماشای صحنه‌ای و یا شنیدن داستانی در این جنبه‌ها موجبات تحریک‌شان را فراهم آورده و یادرسیمای روحی‌شان تاءثیر منفی برجای میگذارد.

۸- منازعات و درگیری‌ها:

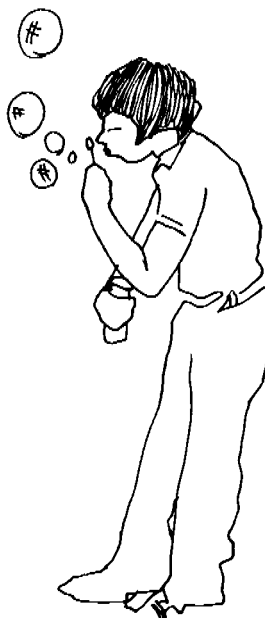
این سخنی عام و کلی است که دیدار صحنه - های درگیری و منازعه، خواه در خانواده ازسوی پدر و مادر و خواه از طریق تماشای فیلم در سینما

روان‌پسوان بازی

سید محمد باقر حجتی

اگرما اندکی در روحیهٔ کودکان مطالعه کنیم میبینیم کودک، همواره با نشاط و فعالیت است. کم اتفاق میافتد که در یکجا آرام گیرد، و از جنبش جز در موقع خواب - باز ایستد. و حتی برخی کودکان در خواب نیز آرام نیستند.

جای تردید نیست که نباید آزادی عمل را از کودکان - که سر تا پا با نشاط و جنبش هستند - سلب کرد. اما نباید آنها را به حال خود وا گذاشت، که هر چه می‌خواهند بکنند. بلکه باید برای جنبشها و نشاط آنها تدبیری اندیشید، تا نیروی آنها بیهوده از دست نرود. بچه‌ها جست و خیز میکنند، و به اینسو و آنسو میدوند، فریساد میکنند، می‌خندند، در این حرکات کودکانه، هیچ نگرانی نباید بخود راه داده و نباید از آنها سلب آزادی نمود. بلکه باید به حرکات آنها نظم داده تا نتایج خوبی عاید گردد. پیغمبر اسلام (ص) حتی در جدی‌ترین لحظه‌ها یعنی هنگام اقامهٔ نماز جماعت، کودک را از بازی منع نمیکرد و نیز میفرمود:



"مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيُتَصَابَلْهُ"
 کسیکه کودک نزد او است باید
 با او رفتار کودکانه در پیش گیرد چنانکه امام
 صادق (ع) فرمود:
 "دَعُ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ ۲۰۰۰"
 فرزند خود را آزاد بگذار تا سن هفت سالگی
 بازی کند.

برتراندراسل میگوید: عقل و بدن کودک خواهان
 مقدار زیادی بازی است و بدون بازی، کودک
 عصبی باریآید. و برای زندگی، فرصتی نمیآید
 وترس و اندوه او روبه تزیاید میگذارد.

در تربیتهای قدیم، بازی راضایع کننده وقت
 میدانستند. ولذا میان کودک و بازی او فاصله
 زیادی وجود داشت. علت آن این بود که قدام
 کودک را بمنزله مردی بزرگ میپنداشتند، و از
 او رفتار بزرگترها را توقع داشتند. اما در تربیت
 جدید، نظریات و روحیات خود کودک میشود:
 نظری که بانظریه بزرگسالان تفاوت دارد. لذا در
 تربیت جدید، پرورش، هماهنگ با تمایلات و
 غرائز کودک پیش میرود و خود بازی نقش مهمی در
 پرورش طفل دارد. لذا دانشمندان آنرا برای
 رشد جسمی و عقلی کودک، ضروری میدانند و
 معتقدند که بازی، یک میل طبیعی است و ضامن
 هدف مهمی در تربیت میباشد. ولذا منطق تعالیم
 اسلام - بشهادت روایات متعددی - هفت سال
 اول زندگانی کودک را به بازی اختصاص داده
 است. چنانکه امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود:

"بِرِخِي الصَّبِيَّ سَبْعًا" و بودب سبعا ویستختم ۳۰
 کودک را باید تا هفت سال آزاد گذاشت و پس
 از آن در مدت هفت سال باید بتربیت و ادب او
 اهتمام نمود...

و بالاخره در تربیت جدید، مصلحت خود
 کودک از نظر استراحت و تفریح و توسعه جنبشهای
 موجود در طبیعت او و همچنین خلاص نمودن
 کودک از نیروهای زائدی که در بدن او وجود
 دارد رعایت شده است. و نیز مصلحت اجتماع - از
 لحاظ پرورش افرادی که باید پیشرفت و ترقی کنند
 ملاحظه گشته است. چون یکی از نظریات درباره
 بازی کودک این است که نیروهای زائدی در بدن
 کودکان و اصولا انسان وجود دارد که باید از راه
 بازی، این نیروها مصرف شود. بمانند مخزنی که
 بخار در آن متراکم گردد، باید این
 بخار به تدریج از روزه ای خارج شود. زیرا
 ممکن است آن مخزن را منفجر کند. بازی نیز
 نیروهای متراکم در بدن را بتدریج مصرف مینماید
 و بشر در هر حال به این امر نیازمند است. و
 بخصوص کودکان بیش از بزرگسالان دارای نیروهای
 متراکم هستند، ولذا آنها به بازی بیش از
 بزرگسالان حرص و تمایل دارند. و از نکته های
 عجیب این است که بچه های حیوان نیز در بازی
 نسبت به انسان، تمایل نشان میدهند.

این نظریه تا مقدار زیادی با واقع نیز مطابق
 است و "شیلر" شاعر آلمانی ۴ و "اسپنسر"
 دانشمند انگلیسی از پیروان این نظریه هستند،
 چنانکه بر همه مانیز واضح است. زیرا وقتی مراقب
 بازی کودکان هستیم - و بخصوص اگر کودک از
 نظر تغذیه و استراحت، نقصی نداشته باشد - این
 نیروهای زائد الوصف رامیبینیم. و مربی عاقل
 باید برای بازی کودک و جنبشهای بدنی او
 مجالی فراهم سازد تا این نیروها در مجاری غیر
 مطلوبی مصرف نشود. و نزاع و کشمکش که میان





شاگردان مدارس که برای شاگردان فرصتی برای بازی فراهم نکردند - بسیار فراوان است .
 نظریه دیگر درباره بازی آن است که کودک برای زندگانی جدی‌تر بهنگام جوانی آماده شود . لذا در بچه‌های انسان و حیوان میبینیم که بازی آنان متوجه آینده آنهاست . یعنی آنها را آماده میکند تا در آینده با مشکلات و ناهمواریهای زندگی بتوانند مبارزه و جنگ

یعنی شدت علاقه به بازی و فعالیت فوق العاده او در خردسالی ، نشانه رسائی عقل او در بزرگسالی است :
 "قَرَامَهُ الصَّبِي فِي صَغَرِهِ زَيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ"
 شیطنت و لجاجت کودک بهنگام خردسالی نشانه زیادی عقل او در بزرگسالی است .
 صالح بن عقبه روایت میکند که من از عبد صالح امام موسی بن جعفر (ع) شنیدم که فرمود :
 "يَسْتَحِبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي"



نمایند . گویا خداوند طبیعت تمایل به بازی را در نهاد انسان و حیوان برقرار کرد ، تا آماده مبارزه در میدان زندگی گردند . پیروان این عقیده " گروس " آلمانی ۵ و " بالدوین " ۶ آمریکائی هستند . این نظریه نیز تا حدی به حقیقت نزدیک می باشد چنانکه در روایات نیز باین نکته اشاره شده است .
 پیغمبر اسلام پدران و مربیان را گوشزد مینماید که هرگاه در کودکان خود جنبشهای فوق العاده و با اصطلاح شیطنت ، مشاهده کردند از او ماء یوس و نومید نگردند . زیرا ممکن است این حالت

کِبَرِهِ تَمَّ قَالَ : مَا يَنْبَغِي الْآنَ يَكُونُ هَكَذَا " ۸
 شایسته است ، کودک بهنگام خردسالی بازیگوش و شورور باشد تا در بزرگسالی ، صبور و شکیبا گردد ، سپس فرمود : شایسته نیست کودک جز این باشد .
 و نیز روایت شده است که زیرکترین کودکان اطفالی هستند که از مدرسه و محل درس گریزان اند یعنی بازیگوش هستند . مجلسی دوم در ذیل این روایت " عرامه " رابه بد اخلاقی و فساد و شیطنت و بالاخره شدت علاقه کودک به بازی و فرار از مدرسه تفسیر کرده است . و اضافه میکند که : این

حالت در کودکان نشانه عقل واستقامت آنها در هنگام بزرگسالی است. و باید طفل این چنین باشد. اما اگر کودکی مطیع و بی جنبش و با اصطلاح خوش اخلاق و آرام باشد، هنگام بزرگسالی کم هوش و کم استقامت است، چنانکه این امر نیز به تجربه رسیده است. ۱۰

سومین نظریه درباره بازی آن است که آن وسیله تجدید قوای خسته، واستراحت اعصاب فرسوده، و عضلات متشنج میباشد. کودکی که از مدرسه باز میگردد قوای دماغی و بدنی او ناتوان شده است وقتی به بازی پرداخت قوای او تجدید شده و برای بررسی درس خود، آمادگی بیشتری پیدا میکند. و غزالی نیز در تعلیم کودک گفته است که باید برای کودک پس از درس، مجالی برای بازی فراهم گردد تا خستگی های ناشی از درس برطرف شده و برای مطالعه و درس دیگر مهیا شود. ۱۱ این سه نظریه درباره بازی کودک به علت اختلاف افراد و احوال بازی کننده است. باین معنی که در بعضی از کودکان گاهی علت بازی مصرف شدن قوای متراکم در بدن است، و یا او را برای زندگی آتیه از نظر مبارزه با مشکلات آماده می سازد، و نیز در برخی اوقات، بازی موجب تجدید قوای او می شود.

اما همه این مطالب دلیل آن نمیشود که ما کودک را برای همه اوقات به حال خود واگذاریم تا بازی، تمام وقت و فرصت او را اشغال نماید. بلکه چنانکه گفته شد: باید از این امر به منظور تربیت، بهره برداری شود. یعنی در عین حال نباید فراموش کرد که باید او درس بخواند و از مدرسه همواره فراری نباشد. و لذا یکی از عواملی که کودکان را از مدرسه فراری میسازد، شدت علاقه او به بازی است، و این علاقه نیز

طبیعی و در عین حال، همواره روبه تزاید است اگر ما بخواهیم همواره میل کودک را در تربیت او دخالت دهیم، خود باعث و منشاء یکی از رذائل اخلاقی در کودک میشویم. یعنی بی نظمی در او ایجاد نموده و تزاحمی میان تحصیل و بازی او بوجود میآوریم و قهر کودک به بازی روی آورده و از مدرسه فراری میشود. به همین جهت آزادی بیحد و حصر کودک در امر بازی، سبب شد که کودکان عصر ما غالباً "از مدرسه روی گردان شده، و نظم و برنامه درسی را در تحصیل رعایت نکنند. پس باید فرصتهای معینی در حین تحصیل در مدرسه و یا پس از آن برای بازی بوجود آورد، تا بتوانند جنبشهای خود را اعمال نموده و استراحت کنند. و در عین حال نباید از مراقبت در امر تحصیل آنها غفلت نمود، تا فرار از برنامه تحصیل و تنفر از مدرسه بصورت یک عادت در آنها پی گیر نگردد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۱۵.

۲- محجۃ البیضاء، ج ۲، ص ۶۵.

۳- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

۴- Schiller

۵- Groos

۶- Baldwin

۷- بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۹۳۷۸

۸- مرک: بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۷۹

۹- همان کتاب و صفحه.

۱۰- همان کتاب ص ۳۸

۱۱- احیاء علوم الدین غزالی.



باشد. بنابراین حسین (ع) سمبل اولیاء در تمام عالم تشیع و معلم هم سمبل مربیان که در زمان امام حسین بوده و در روایت هم می‌گوید اسمش عبدالرحمن بوده. یک حسین عزیز امام معصوم است سمبل برای اولیاء. یک عبدالرحمن است سمبل برای مربیان. آن وقت اگر بمانگویند

قَلَّمَا قَرَأَ عَلَيَّ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ اسْتَدَعَى الْمَعْلَمَ
موقعی که آمد این بچه این سوره را برای پدرش امام حسین خواند ابی‌عبدالله معلم را دعوت کرد به منزل خودش و به او مقدار قابل ملاحظه‌ای



این انجمن اولیاء و مربیان درجه حد باهم مرتبط باشند؟ در جواب عرض می‌کنم امام حسین درجه ارتباط انجمن اولیاء و مربیان را روشن کرده و ما اگر دوستدار اهل بیت و پیروان خاندان پیغمبریم باید همین روش را داشته باشیم. آن معلم پاکدل درس عالی داده، این پدر بزرگوار و معصوم هم خدمت عالی کرده است.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته



دینار طلا، و مقداری پارچه بنام حله عطا کرد، آن وقت بعد هم می‌گوید: وَحَسْبِيَ فَاهُ دَرَاهِمٌ يَكْدُهُ تَا ، هفت تاهشت تادانه در هم به دهان معلم انداخت.

فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ كَيْفَ تَقُولُ يَا قَوْمَ بَنِي إِسْرَائِيلَ مَا جَاءَ بِكُمْ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ فَاسْمِعُوا أَوْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ
حمید یاد دادن این قدر پول طلا، این قدر پارچه این چندتا دانه در؟ فقال: وَأَنَا تَسَاوِي عَطِيَّتِي هَذِهِ بِتَعْلِيمِهِمْ وَلَدَيْهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

گفت کی می‌تواند این طلا و پارچه و دری که من دادم برابری بکند با این درسی که این معلم به بچه من داده این درس آنقدر عالی است که خدمت من نمی‌تواند همتا و هم وزن و برابر آن

برفراری رابطه انسانی با کودک

سلام برکودک دوستان و سلام بر عاشقان کار باکودک و سلام بر کسانی که در کار باکودک خسته نمی‌شوند.

نامیان شما و کودک رابطه مورد نظر برقرار شود. البته ناگفته نماند که هر یک از این نکات، به بحث و بررسی بیشتری نیاز دارد - چرا که مطالب مربوط به انسان مثل دو دوتا چهارتا نیست - لیکن برای کسانی که باکودک سرو کار دارند و از کار کردن باکودک لذت می‌برند این نکات می‌تواند چون

سرنخهائی " راهنما باشد و آنها را به اندیشیدن در باره کودک دعوت کند.
۱- لازم کار باکودک داشتن صبر و حوصله فراوان و از کوره در رفتن است.
۲- لازم کار باکودک "خود - شناسی" و " خودآگاهی" و شناختن احساسات و افکار و انتظارات خود نسبت به کودک است: " خودرا شناس".

۳- لازم کار باکودک دانای بودن به احوال کودک است. اگر می‌خواهید در کار باکودک " توانا" شوید، بیایید با مطالعه کتابهای تعلیم و تربیت کودک و روان شناسی کودک

کودکان فرشتگان روی زمین!

خوانندگان عزیز، مطالبی را که به صورت خلاصه و فشرده مطالعه می‌فرمائید شامل یادداشتها و نکاتی است که در جلسه‌های آموزشی با کتابداران کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دانشجویان داوطلب خدمت در پرورشگاه جمعیت هلال احمر شیراز در سال ۱۳۵۸ مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. اگر کودک را باور کنید و بپذیرید که " داشتن یک رابطه خوب" اساسی‌ترین و مفیدماتی‌ترین مرحله کار با اوست، رعایت این " نکات" به شکل " اصول" کمک می‌کند



"دانا" شویم .

۴- لازمه کار با کودک داشتن صداقت و صمیمیت است. "خودت باش" و لزوم هماهنگی بین آنچه می گوئید و آنچه می کنید و آنچه واقعا هستید .

۵- لازمه کار با کودک داشتن ثبات عاطفی است و حالی به حالی نبودن !!

۶- هر کودکی را با دیگری مقایسه نکنید ، بلکه با خودش مقایسه کنید و بدانید که به طور مطلق هیچ کودکی شبیه کودک دیگر نیست (توجه کردن به اصل فردیت و تفاوتها و شباهت های فردی) .

۷- سعی کنید با ایجاد فضای اطمینان بخش و اعتماد ، رازدار و محرم اسرار کودک باشید (اصل رازداری) .

۸- در کار کردن با کودکان سعی کنید مساوات و عدالت را رعایت کنید . چنانچه کودکی زیبا آفریده شده است و باز امتیاز دیگری بر خوردار است ، اجازه ندهید این گونه امور احساساتتان را تحت تاثیر قرار دهد و تبعیض قائل شوید و به او توجه بیش از حد معمول ابراز دارید (اصل مهار احساسات) .

۹- اگر کودکی کار نادرستی انجام داد ، دلیل نادرستی آن کار را برایش توضیح دهید ، نه

اینکه بگوئید :

" دوست ندارم " و با این گفته در او ایجاد ناامنی و اضطراب کنید .

۱۰- در کار با کودکان سعی کنید اسامی کوچک آنها را به حافظه تان بسپارید و آنها را با " اسم کوچک " صدا کنید .

۱۱- در تماس بین خود و کودک سعی کنید فضائی ایجاد شود که کودک بتواند آزادانه احساسات خود را بازگو کند .

۱۲- هر فرصتی که دست دهد با کودک صحبت کنید و با او ارتباط کلامی برقرار نمائید و سعی کنید با فرهنگ لغات کودک آشنا شوید .

کودکان سنهای پائین را به خودشان بچسبانید یا نعل کنید تا گرمی بدن شما را حس کنند .

۱۳- نسبت به نیازها ، خواستهها ، علاقمندیها و مسایل و مشکلات کودک حساس باشید و اقدام مناسب به عمل آورید . مثلا : " راستی کتابی را که دنبالش بودی ، پیدا کردی؟ راستی عروسکت را پیدا کردی؟"

۱۴- برای کاهش اضطراب و حفظ ثبات عاطفی در میان کودکان ، بین مربیان و کلیه کسانی که با کودک سرو کار دارند بایستی هماهنگی وجود داشته باشد .

۱۵- در کار با کودک از تعصب و پیش داوری بپرهیزید و از " بر حسب زدن " به کودکان خودداری کنید

۱۶- بهترین روش ایجاد تقویت و تکرار رفتار مورد نظر ، تشویق است .

۱۷- از تنبیه بدنی و سرزنش و خجالت دادن کودک جدا " و قویا " خودداری کنید .

۱۸- به سئوالهای بچهها در صورتی که پاسخ آن را می دانید با صداقت و سادگی و کوتاه جواب دهید و در صورتی که نمی دانید با شهامت بگوئید : " نمی دانم " و بکشید پاسخ درست را جویا شوید .

۱۹- با هر کودکی مطابق " روحیه " او باید رفتار کرد ، پس سعی کنیم " روحیه " کودک را بشناسیم .

۲۰- کودک را حتی المقدور در انجام کارهای مربوط به خودش مشارکت و مداخلت ندهید .

۲۱- ما اگر می خواهیم بزرگسال را بشناسیم ، ناگزیر هستیم که کودک را بشناسیم .

۲۲- اندازه گیری و سنجش رشد و تغییرات کودک مشکل است ، چرا که رشد کودک تدریجی است .

۲۳- انتخاب و اجرای هرگونه روش تربیتی بایستی منطبق با نیازها و خواستههای کودک و همچنین هماهنگ با سازمان عقلی و عاطفی او باشد .

۲۴- " همانند سازی " یا " تقلید "

یکی از مهمترین روشهای یادگیری کودک است . پس بیایید ، سعی کنیم بهترین " سرمشق " و " الگو " برای کودکان باشیم ، و هرچه را که می‌خواهیم کودک بکند و یا نکند ، خود بکنیم و یا نکنیم . به طور مثال اگر می‌خواهیم " خواهش کردن " ، " شکر کردن " و " معذرت خواستن " را یاد بدهیم ، ما خود باید در عمل نشان دهیم و پیشقدم شویم .

۲۵- به سئوالات خصوصی کودکان در باره شما به طور ساده ، کوتاه و صادقانه جواب دهید .

۲۶- بازی ، زندگی کودک است . هر گاه که او را از بازی کردن منع می‌کنید ، او را از زندگی کردن محروم می‌سازید . بازی بهترین موقعیت برای بروز عواطف و اجتماعی شدن کودک است .

۲۷- به صحبت‌های کودک فعالانه گوش دهید و واکنش‌های مناسب نشان دهید . به او آزادی کامل بدهید تا از هر کجا که دلش می‌خواهد صحبت کند .

۲۸- با توجه به اینکه هوش مبتنی بر دو عامل وارثت و محیط است و آن را به قدرت انطباق و سازگاری با اوضاع و احوال جدید و قدرت درک و آفرینندگی تعبیر کرده‌اند ، بیایید : به غنی کردن محیط به ویژه محیط فرهنگی بپردازیم و بر

عرصه‌های تجربه کردن کودکان بیفزائیم .

۲۹- پیازه می‌گوید : " هر وقت به کودکان چیزی را یاد می‌دهند بی‌اینکه او را در این امر شرکت دهند ، او را از اینکه خودش موضوع را کشف کند ، باز می‌دارند و در نتیجه کارآموزش با شکست روبرو می‌شود . "

۳۰- ادوارد کلاپارد می‌گوید : " وقتی مربی حیوانات در کار دست آموزی حیوان موفق نمی‌شود خود را خطاکار می‌داند ، در حالیکه در تربیت کودکان ، هر کس موفق نشود گناه را به گردن کودک می‌اندازد " واقعیت این است که در برخورد با رفتار نادرست کودکان ، باید مریبان آنها را گوشمالی نداد نه کودکان را !

و شاید نتوان گفت که کودک " بی‌تربیت " است بلکه او " بد تربیت " شده است .

۳۱- در رویا روئی با هر کودکی ، " دانائی " ما از خصوصیات روانی ، رفتاری ، خانوادگی و اقتصادی او و جامعه اوست که به ما " توانائی " می‌دهد ، چرا که " توانا بود هر که دانا بود " .

۳۲- از لج بازی کردن ، سر به سر گذاشتن ، یکی به دو کردن و مشاجره با کودک خودداری کنید .

۳۳- در صورت لزوم باید با مدرسه ، کتابخانه و دوستان کودک تماس گرفت .

۳۴- یکی از اصول تربیتی کودک ، شناساندن " واقعیتها " به کودک است ، نه کتمان و پنهان داشتن آنها .



ابراهیم امینی

دست انسان خارج می شود. عقل شخص غضبناک خوب کار نمی کند و در آن حال، بادیوانگان جندان تفاوتی ندارد. ممکن است خطاهائی از او صادر شود که تا آخر عمر ناچار باشد جریمه آنها را بپردازد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: از خشم و غضب اجتناب کنید زیرا آغازش جنون و آخرش پشیمانی است. ۱.

غضب مدشاء اکثر شرور و جنایتها است. اکثر فتلها و جنایتها و ضربها و تهمتها و هتک آبروها و ناسزاگوئیها و حتی جنگها از خشم و غضب سرچشمه می گیرند.

امام صادق علیه السلام فرمود: غضب کلید همه شرور و جنایتهاست. ۲.

غضب حتی به دین و ایمان انسان لطمه می زند و اعمال و کارهای نیک را فاسد می گرداند.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: غضب ایمان را فاسد می کند چنانکه سرکه غسل را خراب می کند. ۳.

در حال غضب سخنان ناهنجاری از انسان صادر می شود و کارهای زشتی را انجام می دهد که باطنش را آشکار می سازند و در نظر دیگران رسوا و حقیر می گردد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: غضب همنشین بدی است. عیوب و زشتیها را آشکار می سازد و انسان را به شر نزدیک و از خوبی دور می گرداند. ۴.

خشم و غضبهای مداوم بدون شک بر قلب و اعصاب انسان آثار سوئی می گذارند و آنها را ضعیف و فرسوده می گردانند.

بنابراین، کسیکه به شخصیت و بهداشت و سلامتی خود و دین و ایمانش علاقه دارد باید با



خشم

غضب از نهاد انسان مایه می گیرد و یکی از غرائز بشمار می رود. این حالت فوق العاده روانی، از قلب و مغز شروع می شود و مانند شعله آتش سرتاسر بدن و اعصاب را فرا می گیرد. صورت و چشمها قرمز می شوند. دست و پا می لرزد. دهان کف می کند. کنترل اعصاب از

که غضب کنترل اعصاب را از دستش بگیرد و دین و دنیا و آبرویش را بر باد دهد .

تذکر این نکته نیز لازم است که چنان نیست که خشم و غضب به طور کلی و در همه حال ، زشت و ناپسند و زیانبخش باشد بلکه اگر بطور صحیح و در موارد لازم از آن استفاده شود غریزه بسیار سودمند و نافع است که برای حیات و زندگی انسان کاملاً ضرورت دارد . به وسیله همین غریزه است که انسان از خودش و اموال و اولاد و دین و کشور و هموعانش دفاع می کند . بدون وجود این غریزه زندگی شرافتمندانه برای انسان امکان پذیر نیست . این غریزه اگر در کنترل عقل باشد نه تنها مضر نیست بلکه استفاده های شایانی به انسان می رساند .

جهاد در راه خدا ، دفاع از دین و کشور ، امر به معروف و نهی از منکر ، دفاع از ناموس و شرف مبارزه با استبداد و ستم ، حمایت از مظلومین مبارزه با کفر و بی دینی ، دفاع از حقوق ستم دیدگان ، همه و همه به برکت همین قوه غضبیه انجام می گیرد .

یک مسلمان متعهد و مسئول نمی تواند در برابر حوادث تلخ و ناگوار زندگی ، در برابر ظلمها و حق کشیها ، در برابر استبدادها و دیکتاتوریهها ، در برابر فسادها و زشتیها ، در برابر غارت و جیاول اموال عمومی خلقها ، در برابر استعمار و استثمار و به بند کشیدن ملتها ، در برابر بی دینیها و ماد یگر ییها ، ساکت و بی تفاوت و خون سرد بماند و تماشاگر صحنه های فساد باشد ، اسلام هم هرگز چنین اجازه ای را نداده است .

مسلمان وظیفه دارد با فساد مبارزه کند و از خویشتن عکس العمل نشان دهد . اما عکس العملی



که عقل پسند و برطبق موازین شرع باشد. یعنی قوه غضبیه باید همواره دراستخدام و کنترل عقل و دین باشد نه لجام گسیخته و بی بند و بار. و نه در اختیار هوسها و خواسته های غیر مشروع نفسانی. اگر قوه غضبیه چیره شد و نور عقل را خاموش ساخت انسان را به وادیهای هلاکت می افکند و دین و دنیایش را تباہ می سازد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر از نیروی غضب پیروی کنی ترا به هلاکت می افکند. ۵. بنابراین، درست نیست که قوه غضب راریشه کن سازیم و انسانی بی تفاوت و بی غیرت تربیت کنیم، بلکه باید از افراط و تفریط اجتناب کنیم و این قوه را به وجه صحیح پرورش دهیم و در حد اعتدال نگه داریم تا در مواقع لزوم مورد استفاده قرار گیرد.

صفت غضب مانند صفات دیگر از دوران کودکی مایه میگیرد. همه انسانها از وجود این غریزه برخوردارند ولی شدت وضع آن به اوضاع و شرائط محیط تربیت و رفتار پدر و مادر و سایر معاشرین کودک بستگی دارد. پدر و مادر با اعمال و رفتار خود می توانند این غریزه را به حال اعتدال پرورش دهند و می توانند به طرف افراط یا تفریط بکشانند. ناگفته نماند که خلقت ویژه و مزاج همه انسانها در این باره یکسان نیست.

مغز و اعصاب بعض افراد، برای پرخاشگری و خشم آمادگی بیشتری دارد و برعکس، بعض افراد ذاتاً "حلیم و بردبارند. پدران و مادران دانا و باتدبیر، با توجه به خلقت ویژه اطفال، به تعلیم و تربیتشان می پردازند و غرائزشان را تعدیل می نمایند، و از علل و عوامل افراط و تفریط اجتناب می کنند.

بچه خشمناک جیغ می زند، فریاد می کشد، بدنش می لرزد و از شدت ناراحتی صورتش کبود می شود، پایه زمین می زند و خودش را به خاک می کشد. و اگر بتواند حرف بزند خشم خویش را با ادای کلمات تند و گاهی رکیک آشکار می سازد، و گاهی از شدت ناراحتی قهر می کند و در گوشه انزوا می نشیند. ولی بهر حال، قصد شرارت و بدجنسی ندارد. باید علت خشم بچه را پیدا کرد و درصدد علاج برآمد. بند و اندرز نیز سودی ندارد، اگر علت خشم را برطرف سازیم کودک خود بخود آرام می گردد.

خشم و غضب بطور کلی زاده ناراحتی و عدم رضایت است. عوامل مختلفی از قبیل دردهای شدید، خستگی و بی خوابی زیاد، گرسنگی و تشنگی شدید، احساس گرما و سرمای فوق العاده، کودکان نوزاد و خردسال را ناراحت می سازد، و خشم او را تحریک می نماید. توهین و اذیت به کودک، مقاومت در برابر خواسته های او، سلب آزادی و محدودیتهای بیجا، احساس تبعیض و بیعدالتیها، احساس عدم محبوبیت، تحمیلات شدید، ضربه زدن به استقلال طلبی کودک احساس ناتوانی و عدم موفقیت، دستورها و فرمانهای دشوار و طاقت فرسا، تهدیدهای سخت، هریک از این امور می تواند آرامش کودک را برهم زند و خشم او را برانگیزد. و با تکرار و ادامه آنها غریزه خشم در کودک تدریجاً تقویت می شود تا به صورت موجودی پرخاشگر و غضبناک درآید. بعضی از پدران و مادران عصبانیت و غضب را عملاً "به کودکان خویش یاد می دهند. بر آنها داد می زنند و تندی می کنند. در برابر عصبانیت آنها، عصبانی و خشمناک می گردند و بدین وسیله آنها را خشمناکتر می سازند.

انسان باید با خواهش و زبان، خواسته‌هایش را بخواهد نه با خشم و زور، من این مرتبه خواسته‌های ترا نامین کردم اما بعد از این، اگر بخواهی بوسیلهٔ پرخاشگری و زور به هدف برسی مطمئن باش که من اجابت نخواهم کرد. بعد از آن اگر خواست دوباره بوسیلهٔ زورگوئی و عصیانیت چیزی را به شما تحمیل کند به طور قاطع جلوش بایستید و بخواسته‌هایش ترتیباً اثر ندهید مبادا به زورگوئی عادت کند، ولی بهر حال، خونسردی خودتان را حفظ کنید و در مقابل لجبازیها و عصیانیت‌های او داد و وقال راه نیندازید. و در صورتیکه با پرخاشگری و زور می‌خواهد خواسته‌های غیر مشروعش را بشما تحمیل کند به وی اعتنان کنید و تسلیمش نشوید. والا با همین وضع عادت خواهد کرد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: از غضب اجتناب کن مبادا بر تو مسلط شود و به صورت عادت درآید. ۶

برابر او عصبانی نشوید. مطمئن باشید قصد شرارت و بدجنسی ندارد. سعی کنید علت ناراحتی او را پیدا کنید. اگر دردی دارد معالجه‌اش نمائید. اگر گرسنه یا تشنه است



غذا و آبش بدهید. اگر خسته است خوابش کنید. اگر رفتار و اعمال خودتان باعث رنجش و عصیانیت او شده در صدد جبران و اصلاح برآئید. اگر عصیانیت او در اثر خیال بی‌جائی است اشتباهش را بر طرف سازید. اگر بی‌تقویت روحی احتیاج دارد تقویتش کنید. اگر خواستهٔ مشروعی دارد و برای شما امکان اجابت هست می‌توانید خواسته‌اش را تاءمین کنید ولی

- ۱- مستدرک ج ۲ ص ۲۲۶
- ۲- اصول کافی ج ۲ ص ۲۰۳
- ۳- اصول کافی ج ۲ ص ۲۰۲
- ۴- مستدرک ج ۲ ص ۲۲۶
- ۵- مستدرک ج ۲ ص ۲۲۶
- ۶- غرر الحکم ص ۱۰۹

لَا تَضْرِبُوا وَأَهْبِرْهُ وَلَا تَطْلُبْ

امیرالمؤمنین

دنیای پیرامون کودک



پروژه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

می دهد. با این وضع برای او آسانتر خواهد بود که در دنیای بیچیده و آشفته فردایی برای خود باز کند.

این تماس نزدیک و کشف دنیای واقعی به او کمک می کند که دید اجتماعی روشن و درستی داشته باشد و تنها بر درس کلاس تکیه نکند و مباحث درسی تنها تجارب دوره تحصیل او نباشد.

آموزش و پرورش باید کودک را چنان بار آورد که دنیای اطراف و جامعه خود را بشناسد، و این فرصت باید از همان آغاز کار و در جریان برنامه های درسی برای او فراهم شود.

مشاهده دقیق و آگاهی از چگونگی چرخش سازمانهای یک جامعه و تشکلاتی که چنین محیطی را شکل می بخشد فهم اجتماعی کودک را افزایش

تا آنجا که برای معلم و اولیای مدرسه امکان دارد باید کودک را با جامعه خود آشنا کنند. البته اگر پدر و مادر نیز دانسته و اصولی این برنامه را دنبال کنند نتیجه مطلوبتر به دست خواهد آمد. کودک باید گرفتاریها، ناملازمات، مقررات، حرفه‌ها و خلاصه هر چه یک جامعه را شکل می‌بخشد، خواه در شهر یا روستا، بشناسد و از نزدیک ببیند و با آنها آشنا شود تا دیدی گسترده و بینشی واقعتر پیدا کند. مثلا برای اینکه به کودک تصویری واقعی و اطلاعی جامع در مورد اینکه کار چیست و چرا مردم کار می‌کنند بدهیم، از یک کلاس در دیسان شروع کردیم. هدف ما این بود که به کودک بفهمانیم که همه کار می‌کنند و علت کار کردن رانیز برای آنها روشن کنیم و انواع مختلف کار رانیز به او بشناسانیم.

بدون مقدمه در کلاسی بحث را اعداد و زندگی روزانه حیوانات وحشی شروع کردیم. دانش آموزان هر کدام چیزهایی در این مورد می‌دانستند و با اشتیاق بحث را دنبال می‌کردند. از شیوه زندگی هر یک از حیوانات که دیده بودند و می‌شناختند گفتگو کردیم. بعد از گفتگوهایی که زیاد هم طولانی نبود برای همه روشن و مسلم شد که عمده فعالیت‌های حیوانات برای پیدا کردن غذا و پناهگاه است. یعنی عمداً بحث را به آنجا که دلخواه بود کشانیدیم که مثلا صبح که حیوان از خواب بیدار می‌شود، بالطبع احساس می‌کند که گرسنه است و باید به هر نحوی که شده است چیزی

محفوظ مانند از درندگان و حیواناتی که ممکن است به او حمله کنند، باز سرما و باد و باران به حای امن احتیاج دارد. بعد رسیدیم به این نکته که کار دیگر حیوانات تولید مثل است یعنی حیوانات برای خود لانه و پناهگاه می‌سازند. غذا برای فصل‌های سرد ذخیره می‌کنند و از حای به حای نقل مکان می‌کنند. به نفاط دور دست مهاجرت می‌کنند و بازمی‌گردند. رعایت همین اصول به طور غریزی حیوان را از گرفتاریها نجات می‌دهد و از نیستی می‌رهاند و طفره رفتن از همین اصول طبیعی منحرف به نیستی و نابودی حیوان می‌شود. البته با توجه به سن دانش‌آموزان و حوصله آنها و علاقه‌ای که نشان می‌دهند معلم می‌تواند توضیحات بیشتری در زمینه نحوه زندگی و شکار و تغذیه و مسائل دیگری از دنیای حیوانات برای آنها بدهد.

معلم می‌تواند جانداران را در همین زمینه تقسیم بندی کند و از هر گروه که خواستار بیشتری داشت توضیحات وسیعتر و اطلاعاتی که مورد علاقه دانش‌آموزان باشد بیاورد. خود دانش آموزان نیز می‌توانند، هر طور که میل دارند، به تحقیق در مورد زندگی حیوانات بپردازند. به این طریق دانش آموزان، در عین سرگرمی، مطالبی نیز فرامی‌گیرند. بعد از آن به نحوه زندگی آدمیان نخستین و غارنشین در ادوار مختلف تاریخ و پیش از تاریخ پرداختیم. در این راه هدف این بود که خواسته‌ها و نیازهای نخستین بشر را و همچنین فعالیت و انگیزه تلاش او را در مقایسه با حیوانات وحشی در یک سطح نشان دهیم. نتیجه گرفتیم که احتیاج به خوراک و مسکن و تولید مثل در انسان و



حیوان تفاوتی ندارد. از خود دانش‌آموزان کمک گرفتیم تا شواهدی در این زمینه بیابند. بعد از جهات مختلف مسئله گفتگو کردیم تا آنها به وضوح دریافته‌اند که چگونه بشر از قدرت تفکر خود استفاده کرده و چه تلاش‌ها و کوشش‌هایی داشته است تا احتیاجات زیستی خود را تامین کند و زندگی راحت‌تری برای خود تدارک بیند. دانش‌آموزان خود در مورد راه‌هایی که انسان اولیه پیدا کرده بود تا بر محیط اطراف خود تسلط یابد و آسوده‌تر زندگی کند حدس‌هایی می‌زدند. برای آنها مجسم کردیم که در شرایط زندگی ابتدایی که هیچ نوع ابزار و وسیله‌ای نبود و بشر نمی‌توانست حتی پوششی بر تن داشته باشد و به راحتی غذا را فراهم آورد، طبیعا نمی‌توانست از تمام امکانات اطراف خویش استفاده کند.

ناگزیر ذهن و شعور خود را به کار انداخت و به فکر تهیه و ساختن ابزار و وسایلی افتاد که به کارش می‌خورد و در جاهای مختلف مورد استفاده‌اش بود. وقتی که دانش‌آموزان خود به این نتایج رسیدند، عکسها و شواهدی که از ابزارهای نخستین فراهم کرده بودیم به آنها نشان دادیم و همچنین از تصویرهایی که بر دیوار غارها از صحنه‌های شکار و یا سایر جاها بر سنگ‌کنده شده بود اسلایدهایی نشان داده شد.

با مرور در کیفیت زندگی و تلاش انسان و حیوان در تنازع بقا، دیگر برای دانش‌آموزان بسیار آسان بود که دریابند که بسیاری از امور چه ریشه‌های عمیق و کهنه‌ای دارند و دنیا دنیای تلاش و کوشش است و کار برای هر

موجود زنده‌ای ضروری است. در جوامع امروز مردان، زنان و کودکان، بنا به مقتضیات زندگی و محیط خود، وظایفی بر عهده دارند که با محیط خانواده و جامعه آنها ارتباط پیدامی‌کند. با این مقدمات روشن و مسلمی که فراهم کردیم، دانش‌آموزان بالاخره به این نتیجه رسیدند که زندگی یعنی کار و وظیفه‌ای که هر شخص بنا به استعداد و قدرت خود بر عهده می‌گیرد. کار یعنی سهم متقابل هر فرد در جامعه که هم خود فایده‌ای برد و هم نتیجه‌ای برساند. بعد توجه دانش‌آموزان را به جانب انواع مختلف کارها هدایت کردیم کارهایی که پدر و مادر آنها انجام می‌دهند و در اینجا متوجه یک مسئله تازه شدیم که در گفتگو در مورد انسان‌های نخستین مطرح نبود: مزدکار در این مورد بحث کردیم که چرا در گذشته چنین نبود و امروز مزد دادن رواج یافته است. بحث‌های گوناگون کردیم و دلایل زیادی یافتیم در این زمینه‌ها که چون احتیاجات بشر بیشتر شده و خواسته‌هایش افزایش یافته و تعداد افراد به طرز عجیبی زیاد شده است، باید افراد بیشتری در کارها مشغول باشند تا جواب نیازهای این جمعیت‌های بزرگ را بدهند. و از طرفی کارهای تازه پیدا شده که مورد احتیاج بشر است و خلاصه این مطالب را از خلال گفتگوها یادداشت کردیم:

— پدران و بعضی از مادران ما برای پول کار میکنند تا بتوانند احتیاجات و خواسته‌های خانواده را برآورده کنند.

— علاقه آنها به کارشان اصل مهمی است و در عین حال به جامعه خود نیز خدمت میکنند.

— بسیاری از کارهای جوامع امروز گسترده و عظیمند و از عهده یک نفر و چند نفر ساخته

را سریعتر و راحت تر می کند.

— خانواده در آمد خود را صرف خواسته ها و احتیاجات خود می کند.

— گاهی بسیار مشکل است که میان خواستن و احتیاج تفاوتی فایل شویم. "دانش آموزان از زندگی داخلی خود نیز مثالهایی آوردند."

— بعضی شغلها چیزهای مورد نیاز عمومی را میسازند و یا تهیه میکنند (ماشین و غلات) و شغلهای دیگری که کاری انجام میدهد، مثل تعمیرات تلویزیون و یاکسی که متصدی بخت اخبار است.

— بعضی کارها لازمه اش به خطر انداختن جسم و یا ثروت است، البته ممکن است در این کارها در آمد شخص بیشتر باشد.

— معمولا "جامعه" کار، برای امور مختلف، پرداختهای متفاوت دارد.

— همه مردم واجد شرایط انجام دادن همه کارها نیستند.

— انتخاب نوع کاری که شخص به آن علاقه مند است در پیشرفت و موفقیت او حائز اهمیت بسیار است.

— دانش آموزان باید در کارهای مختلف دقت کنند و اطلاع کافی به دست آورند. این اطلاعات به آنها کمک میکند که از میان آنها رشته ای را برای خود برگزینند و از همان ابتدا در مورد آن اطلاع و مهارت کافی به دست آورند و به این ترتیب از هدر رفتن نیروها و استعدادها آنها در زمینه های دیگر که مورد توجه و علاقه نیست جلوگیری می شود.

وقتی که دانش آموزان تا این حد در گفتگوها به مسئله کار و کارگر نزدیک شدند، موجبات آشنائی و دیدارهای کنجکاوانه آنها را با

آنهاست فراهم آوردیم. اشتیاق آنها در این مورد بسیار بود و برای انجام آن احتیاج به مقدماتی داشتیم. یعنی ناگزیر بودیم که ابتدا پدر و مادر را آگاه کنیم که چه منظوری داریم و بعد با محللای مورد نظر تماس بگیریم و از آنها کمک بخواهیم. نامه ای به اولیای دانش آموزان نوشتیم و آنها را در جریان کار و برنامه ای که در نظر داشتیم گذاشتیم. در آن نامه علل اقدام به چنین کاری را به طور مختصر توضیح دادیم تا از تعطیل شدن کلاس و برنامه های خارج از مدرسه مطلع باشند. هدف ما بعد از مقدمه کوتاهی چنین خلاصه می شد:

— دانش آموزان را با این واقعیت آشنا کنیم که بالاخره ناچارند که کار کنند تا پولی به دست آورند و احتیاجات و خواسته های خود را برآورند — دوق آنها را برانگیزیم و آنها را تهییج و تشویق کنیم تا به فکر باشند و درباره شغلی که میخواهند در آینده داشته باشند تصمیم بگیرند. — جامعه را به عنوان بهترین کلاس برای یادگیری و آموزش مورد استفاده قرار بدهیم و به موازات کارها و برنامه های درسی مسائل واقعی اجتماع پیرامون کودک را به او بشناسانیم با دانش آموزان در مورد بهترین راه آشنا شدن با کارگران و شیوه کار آنان مشورت کردیم نتیجه این شد که بهتر است طرحی برای ثبت اطلاعات و هر نوع مطلبی که مورد تقاضای آنهاست تهیه کنیم تا بعد بتوانیم اطلاعات متفاوت را مجموعا داشته باشیم و هم بتوانیم بین شغلها و حرفه های گوناگون مقایسه ای نیز انجام بدهیم. با کمک و همفکری دانش آموزان سوالاتی فراهم کردیم



پرسشهایی را که شبیه به هم و یازاید به نظر می‌آید حذف کردیم . بیشتر دانش آموزان با سابقهای که از گفتگوهای خانوادگی داشتند مطالبی عنوان میکردند که برای دیگران نازگی داشت و مثلا "در مورد پرداخت حقوق دوره بیماری، اضافه کار و پرداخت حقوق در روزهای تعطیل مطالب و اطلاعاتی میدانستند که برای ما هم جالب بود و بالاخره به کمک خود آنها این سوالات را یادداشت کردیم :

اسم کاری که انجام میدهید چیست ؟
چندسال است که به این کار اشتغال دارید ؟
آیا در استخدام کسی هستید ؟
کارتان چیست ؟
آیا خودتان صاحب کارید و دیگران را استخدام میکنید ؟

این شغل چه نام دارد ؟
برای خودتان کار می‌کنید ؟
آیا کار دیگری هم دارید ؟ اگر دارید نام ببرید .
در هفته چند ساعت کار میکنید ؟
دستمزدتان در آغاز کار چقدر بود ؟
حداکثر پولی که میتوان دریافت کرد چقدر است ؟
اگر بیشتر از ساعت مقرر کار کنید ، مزد بیشتری می‌گیرید ؟

اگر بیکار شوید ، چه میکنید ؟
آیا روزهای تعطیل هم حقوق می‌گیرید ؟
از همان سالی که شروع به کار کردید یا چند سال بعد ؟
وقتی که کار می‌کنید ، دوست دارید که کسی با شما باشد یا میل دارید تنها باشید ؟
آیا کار شما خطراتی هم در بر دارد ؟
از چند سالگی میتوان وارد این کار شد ؟

چه تحصیلاتی برای رسیدن به این مرحله از کار شما ضروری است ؟
چرا شما این کار را انتخاب کردید ؟
آیا کار دیگری سراغ دارید که علاقه مند به انجام دادن آن باشید ؟
چه کاری است ؟

بعد از این پرسشها ، جای خالی در نظر گرفته شد تا اگر دانش آموزی سوال دیگری برایش پیش آمد مطرح کند و اگر کارگر یا کارمندی خواست مطالبی اضافه بر سوالات بنویسد ، جای کافی باشد . گاهی هم سوالات احتیاج به توضیحات بیشتری پیدا می‌کردند . بعد از جای خالی پایین صفحه توضیحاتی اضافه کردیم تا پاسخ دهندگان بدانند که منظور از طرح این پرسشها افزایش آگاهی و اطلاعات شغلی و اجتماعی دانش آموزان است و برای اینکه بتوانیم کمکی درست به درک اجتماعی و یا انتخاب شغلی دانش آموزان بکنیم ، پاسخها را دقیق و روشن بنویسد و نیز اضافه کردیم که این سوالات توسط خود دانش آموزان مطرح شده است و نشان میدهد که آنها علاقه مند به یادگیری هستند . خواهش میکنیم به آن سوالاتی که میخواهید پاسخ بگویید . اشتباه درنوشتن کلمات یا جملات هیچ‌گونه اشکالی ندارد ، چون ما منتظر نداریم که همه زبان‌نویسندگان درست رابدانند .

وقتی که تمام این مقدمات آماده شد و خواستیم دانش آموزان را به دنیای کار ببریم از پدر و مادرها و سایر اعضای مدرسه کمک گرفتیم تا ما را در مورد مصاحبه یاری کنند . با کارگاهها و اداراتی که قرار بود دانش آموزان به آنجا مراجعه کنند تماس گرفتیم و افراد مورد مصاحبه را آماده کردیم و از آنان خواهر

کردیم که وقتی یک یا دو دانش‌آموز را در موقع کارکردن ملاقات کردند لطفی بکنند و تا آنجا که ذوق و علاقه دانش‌آموز ایجاد میکند با خوشرویی آنها را بپذیرند و جواب سؤالیهای آنها را با کمال وضوح بدهند. اجازه بدهند که دانش‌آموزان از نزدیک با نحوه کار آنها آشنا شوند و کار آنها را دنبال کنند. به آنها گفتیم که دانش‌آموزان محتاج این همکاری هستند.

به این ترتیب افراد زیادی آماده مصاحبه شدند. خیلی زود افراد زیادی در شغل‌های متعدد در اختیار ما بودند که دانش‌آموزان میتوانستند به آنها مراجعه کنند. کسانی که خود دانش‌آموزان علاقه داشتند که با کارشان آشنا شوند و خودشان آنها را انتخاب کرده بودند عبارت بودند از: عکاس، گل فروش، ایستگاه رادیو، خلبان، خبرنگار روزنامه، مرکز تلفن، تلفنچی، معلم مدرسه فنی، منشی، آژانس مسافرتی، کتابدار، فروشنده بوتیک، مکانیک اتومبیل، فروشنده اتومبیل، پرستار بیمارستان یک فروشنده زن، بستچی و پلیس. وقتی که کار انتخاب شغل پایان گرفت (بچه‌ها هر کدام دو شغل را انتخاب کردند) پیشبینیهای لازم برای رفت و برگشت و مراقبت از آنان به عمل آمد و با تلفن به همه سازمانها - بی که مورد مراجعه بودند اطلاع دادیم و برای شروع کار از معلمان، اولیای دانش‌آموزان، دانشجویان تربیت معلم، انجمن معلمان، کارگران و کارفرمایان و ادارات کمک گرفتیم. چقدر جالب و پرهیجان بود وقتی که دانش‌آموزی خود را در مرحله‌ای که کارش مورد علاقه او بود می‌دید و خود را با شخصی که خودش و کارش برای او کمال مطلوب بود به گفتگویی نشست!

این برنامه دنیای تازه‌ای به روی آنان گشود و آنان تصویری بسابقه نسبت به محیط اطراف خود و کلمه کار پیدا کردند. آنها با افراد حرفه‌ای که مورد علاقه آنان بود از نزدیک آشنا شدند. توانستند نقش هر کار و تاثیر فردی و جنبی آن را از نزدیک ببینند و از اینکه هر کس به نحوی در رفع احتیاجات جامعه خودش سهمی برعهده دارد و به نحوی خاص بخشی از نیاز جامعه خود را فراهم می‌سازد بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند، و عمل‌متوجه شدند که هر فرد علاوه بر خدمت به جامعه نیاز مادی خودش را بایستی که دریافت می‌کند برطرف می‌سازد. پاسخها براساس همان سؤالات با دقت یادداشت شد و هر دانش‌آموز خارج از سؤالاتی که مطرح شده بود اطلاعات فرعی متعددی کسب کرد. خیلی مشکل است فایده‌های راکه از این برنامه به دست آوردیم و تحولی راکه در روحیه دانش‌آموزان پدید آمدن کنیم. به هر حال کلاس ما با دیدی تازه و خیلی راحت اطلاعات جامع و مفیدی درباره بسیاری از شغلها در اختیار گرفت. افرادی که با آنها مصاحبه شده بود از علاقه‌مندی و توجه و سادگی دانش‌آموزان خوشحال و راضی به نظر می‌رسیدند. یک عکاس گفت: "من با جوانان زیاد به گفتگوشستم اما این بچه‌ها با اشتیاق بامن صحبت می‌کردند با تمام حواس خود متوجه کیفیت کار من بودند و هر پاسخ من برای آنان جالب توجه بود و آنها فوراً آن را یادداشت می‌کردند. من احساس کردم که این بچه‌ها واقعا علاقه‌مند و مشتاق کسب اطلاعات در موارد مختلف این شغل هستند." بعدها متوجه شدیم که هر دانش‌آموز جلددار مورد رشته انتخابی خود تعصبی دارد و به

لزوم پرورش قبل از آموزش

اهمیت روشهای کیفی شناخت
رسمهای سازگاری و انتقال

سید کاظم مدرسی

نابراین چگونه ممکن است که پرورش کودک بدون شناخت او بخوبی صورت پذیرد. هدف از شناخت شناسائی است. اساس پرورش جدید بر پایه مشاهده و شناسائی قرار گرفته است. توصیه‌های اخیر این است که مربی باید حالات و قدرتهای طبیعی کودک را بشناسد تا اینکه بتواند بهترین آنها را بیرون کشیده و تقویت نماید.

در این مورد به نکاتی از نظریات دکتر آندره برز منحصص امور پرورشی جدید می پردازیم:

مربیان باید پیوسته آن را از نظر درنداشتند و با توجه و احترام به آن کودک را هدایت و راهنمایی نمایند. اگر "شخص" کودک ساخته شود دلیلی نیست که مربی به فکر منحصر

پیش از هر نوع برنامه ریزی آموزشی باید به سنجش وضع کودک پرداخت. اینک می خواهیم به اهمیت این موضوع بپردازیم:

این امر مشخص شده است که ساخت هر چیز بر اساس شناخت امکان پذیر می گردد، پرورش کودک نیز از چنین امری مستثنی نیست. ساخت یک انسان حساس ترین و دقیق ترین مرحله ساخت است.



بفرد خود باقی بماند و برگشت از نظر شخصی در چنین موارد محققا نه بی فایده است و نه تحقیر آمیز، از جهتی دیگر به نظر می رسد که احترام به کودک بدون شک روشی است آموخته و بدان وسیله یاد می گیرد تا به بزرگسال متقابلا احترام بگذارد. اما خواست تربیتی جدید اینست که نیازمندیهای اساسی و طبیعی کودکانه مورد توجه و احترام باشد. این امر بخودی خود بسوی بازشناسی تمامی آنچه که مستعد و سزاوار کنکاش و شناسائی در طبیعت کودکانه می باشد کشیده می شود...

بی توجهی به نیازمندی کودک و فعالیت های ناشناخته او که پیوسته در جستجوی مغذی هستند نابتوانند خود را ظاهر سازند در زمان طولانی موجب می گردد تا کودک نتواند تشخیص بدهد که چه کاری کند، وجه باید بکند آنوقت است که ذوق و میل به همه چیز را از دست می دهد و مریبان غرولندکنان می گویند "وای از ایمن بچه های تنبل" در صورتی که با بذل مقداری توجه و عنایت به اشکال متعدد تحرک و فعالیت های طبیعی و سالم کودکان میتوان هر کدام را به نوعی و برپایه و اصول روش های مختلف و متفاوتی به کار گرفت و نتایج ارزشمندی به دست آورد. برای شکوفائی یک شخصیت باید از همه امکانات روانی و رفتاری و کارائی آنان استفاده شود، بخوبی روشن است که بایستی پرورش و تربیت بطور انفرادی بر فرد منطبق گردد. اگر هوش از اجزائی که سبب تشکیل و تکوینش می باشد مثل تحرک، مسائل عاطفی و اجتماعی دور جدا شود، نمی تواند توسعه پیدا کرده و شکوفا شود، در صورتی که اگر مورد

توجه واقع گردد پیشرفت ها حتمی تر خواهند بود که غالبا "به خاطرات کودک عنوان و درجه می دهد، قدرت خلاقیت وی مورد نظر قرار گرفته و جهش های خود را بازمی باید و به مرحله ای می رسد که فعالیت های مدرسه ای یا فعالیت های خارج از مدرسه، بدون رعایت سلسله مراتب هماهنگ گردیده و تنها برای برگزاری امتحان به کار نمی روند بلکه در خدمت دائمی فرد قرار خواهند گرفت.

مری نباید هیچ یک از هیجانات و شور و شوق های شاگردش را تحقیر نماید و بایستی حالتی تمسخر آمیز و بی نظری تفوق جوئی و برتری آنها را متوقف سازد.

چون مسئله مهم اینست که یک کودک یا نوجوان نمی تواند و با جرئت نمی کند که به پوچ علاقه مند و باعاشق شود. برای اینکه بتوانیم با وجود همه مسائل، ایده های از سلسله مراتب ارزشها به آنها بدهیم فقط یک روش موجود است:

بازسازی راهی را که خودشان پیموده اند، با وجود خودشان و با بردباری و آرامش، و به جای اینکه آنها را در مورد سلیقه های شان آزمایش نکنیم آنها را وادار سازیم و به آنها نشان دهیم بین چیزهایی که دوست دارند کدامهایشان ارزش و لیاقت دوست داشتن را دارد.

پدران و مادران باید بجای اینکه خود تذکر بدهند "این رانخوان این احمقانه است" برای جدا کردن بهترین از بدترین کوشش نموده و کمک نمایند.

اگر از این کار و کوشش برای حسن تفاهم امتناع ورزند خطر بزرگی را دامن زده و اجازه می دهند تا خوشی و لذتی که بایستی هوشمندانه و قابل استفاده باشد، بخوشی و لذتی شرم آور تغییر شکل پیدا کند.



سازگاری کودکان

کودک با ارزشهای خانوادگی و اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند سازگاری پیدا می‌کند.

به همین جهت محیط خانه باید از ارزشهایی برخوردار باشد تا بتواند کودک را برای آینده روشنی پرورش نماید.

اگر اولیاء به‌جین ارزشهایی معنقد نباشند مسلم در امر پرورش صحیح کودکانشان موفق نخواهند بود.

فرزانه کونیز در این مورد سئوالی را مطرح کرده است.

چگونه والدین، بدون داشتن یک وضع مطمئن و ثابته می‌توانند کودک خود را با ارزشهای خانوادگی و اجتماعی که خود به آنها ایمان ندارند سازگار نمایند و در پرورش او موفق



باشند.

کودکان رفتار و سلوک والدین خود را می‌پذیرند و در خود جایگزین می‌سازند.

بسیاری از کودکان رفتار ناپسندنا و ناهنجار را از محیط خانه به محیط‌های اجتماعی دیگر انتقال می‌دهند، در محیط‌های اجتماعی هم اگر اینگونه نقل و انتقالات پرورشی کنترل و هدایت نشود رفته رفته فرهنگ جامعه تضعیف می‌گردد. به قول دکتر آدفریر، والدین باید از احساسات عالی برخوردار باشند تا این صفات از وجود آنان به خارج پرتوافکند و کودکانشان را گرم و روشن سازد.

ارزشهایی که کودک می‌تواند آن را فراگیرد و انتقال دهد از قبل از تولد و تا قبل از ورود به محیط‌های اجتماعی است.

اولین ناظم و هادی و پرورش دهنده والدین هستند که می‌توانند شخصیت کودک را در آینده مشخص نمایند.

به تعبیری از کارشناسان امور تربیتی، نمی‌توان موجود کوچکی را که تازه دوازده سالگی بجای "زندگی کردن" فقط وجود داشته و رشد کرده است مورد توجه و نظر قرارداد، زیرا که ارزش کودک در قسمت بسیار مهم مربوط می‌شود به آینده او و آنچه را که از خود نشان می‌دهد.

چگونه می‌توان کودکی را که اجباراً دچار فقدان و کم و کاستی پرورش شخصیت و موجودیت خویش می‌گردد در بزرگسالی جالب و فعال و پیرانرژی مشاهده کرد.

اینک باید متوجه شد که چه طرز رفتار و سلوکی با کودکان می‌تواند در پرورش شخصیت آنان مؤثر باشد.

ادامه دارد

شاید متوجه نباشید این سیاس و قدردانی
والدین چه نیروی به معلم و متصدیان مدرسه
میدهد و باین عمل که هزینه‌ای هم ندارد
میتوان معلمین عزیز را نامدتها شاداب و
امیدوار و علاقه مند به کارنگهداشت .

ولی باید بدانیم این مقدار کافی نیست و با
ارتباطیکه برقرار مینمائیم نسبت به رفع
نیازهای دیگری هم که در تربیت فرزندان موثر
است اقدام لازم معمول داریم .

به کرات برای ما ثابت شده مدارس که پدران
و مادران در آن حضور مییابند مدارس برابری
و پرمحتوا میباشند و هر نوع نارسائی احتمالی
بزودی برطرف و از تعلیم و تربیتی والا برخوردار
خواهد بود .

اما هفته پیوند - همانطور که میدانید شهیدان
بزرگوارمان مرحوم رجائی و باهنر که سهم
بسزائی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی
بلکه انقلاب ما داشتند پس از اینکه انجمنهای
خانه و مدرسه نظام پیشین را به انجمن اولیاء و
مربیان جمهوری اسلامی ایران تبدیل نمودند
۲۳ تا ۳ مهرماه را بنام هفته پیوند اعلام
نمودند این هفته ، هفته ایستکه مدارس
پس از دوران تعطیلی تابستان استقرار و نظم
خود را کاملاً باز یافتند و روزهای استکه
انجمنهای اولیاء و مربیان مدارس تشکیل و
پدران و مادران نمایندگان خود را انتخاب و
عملاً شروع به فعالیت خواهند نمود در این
هفته اولیاء عزیز با هم و یک صدا آمادگی
خودشان را برای کمک به خانه دوم فرزندانشان
که مدرسه میباشد اعلام میدارند هفته ایستکه
مدیران و مربیان زحمتکش مقدم اولیاء
و حضورشان را در مدرسه برای ارائه خدمات

نونهالان و جوانان آینده انقلاب فکرمیکنند
و عمل مینمایند و این پیوند مقدس اولیاء و
مربیان تا انتهای سال تحصیلی به قوت و
قدرت خود باقی خواهد ماند انشاء الله .

در پایان اجازه دهید در رابطه با مسئولیت
پدران روایتی عرض نموده و به سخنان خود
خاتمه دهم تا انشاء الله اساتید محترم شما
را با برنامه‌های خود به فیض برسانند .

روزی رسول گرامی حضرت محمد بن
عبداله صلی الله علیه وآله وسلم در حالیکه
بعض اصحاب ایشان راهمراهی مینمودند به
اطفالی برخورد نمودند فرمودند (وَبِئْسَ
لِلْأَوْلَادِ أَجْرَ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ) وای بر اولاد
آخر زمان از پدرانشان . اصحاب سؤال کردند
يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ از پدران
مشرکشان . حضرت فرمودند : نَهْ مِنْ آبَائِهِمُ
الْمُؤْمِنِينَ یعنی وای بر اولاد آخر الزمان از
پدران مؤمن . وقتی اصحاب علت را پرسیدند

حضرت فرمودند : لِأَيُّعِلُّونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَايِضِ وَ
إِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْرَضِ
يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَامَهُمْ بَرِيٌّ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ

در خاتمه ضمن آرزوی فرج حضرت ولی عصر و
طول عمر با برکت امام و رهبر عزیزنا ظهور امام
زمان از خداوند متعال میخواهم ما را به وظائف
پدري و خواهران را به مسئولیت مادری و مربیان
را موقعیت معلمی آگاه و در تربیت نسل
آینده موفقمان گرداند .

السلام عليكم ورحمه الله وبركاته



اهمیت ریاضیات و بررسی افت آن

در

آموزش متوسطه

$2x + 3y - 4 = y - 8x$

ریاضیات را در جهان

اسلامی دروازه های میان جهان
محسوس و جهان معقول ، و

همچون نردبانی میان جهان تغییر
و آسمان نمونه های اعلی (اعیان

ثابته) می شمارند .
اکثر ریاضیدانان مسلمان همانند

فیثا غورسیان هرگز علم ریاضی را
بعنوان یک موضوع کمی محض

دنبال نمی کردند و نیز اعداد را از
اشکال هندسی که شخصیت آنها را

قابل تصویری سازد جدانمی شمرده
اند .

علم اعداد همانگونه که اخوان
الصفا گفته اند "نابیدی است

از عقل به نفس و نخستین بخشی

است که از عقل به نفس افاضه شده است "بعلاوه به آن همچون" زبانی که از توحید و تنزیه سخن میگوید" نظر می کرده اند. تحصیل ریاضی در اسلام شامل مراحل چهارگانه حساب و هندسه و نجوم و موسیقی بوده است. اغلب دانشمندان و فیلسوفان مسلمان هرچهار را فرامی گرفتند بعضی مانند ابن سینا و فارابی و غزالی رساله های مهمی در موسیقی و تاثیر آن در نفس تالیف کرده اند.

تاریخ ریاضیات در اسلام با محمد بن موسی الخوارزمی آغاز می شود که در آثار وی سنت های ریاضی یونانی و هندی با هم ترکیب شده است.

این ریاضیدان قرن سوم چندین اثر از خود برجای گذاشته که کتاب المختصر فی حساب الجبر و المقلبه مهمترین اثر او بوده است.

دانشمند و ریاضیدان دیگر عمر خیام است که وی شاعر، فیلسوف و ریاضیدان بود و تحقیقات وی در اصل موضوع اقلیدس و حساب و جبر برای نمایاندن مقام جهانی او در علم کفایت می کند.

جبر خیام یکی از برجسته ترین متون ریاضی قدیم بشمار می رود، معادلات را تا درجه سوم مورد بحث قرار داده و آنها را طبقه بندی و حل کرده است، همه جا ارتباط میان مجهولات و اعداد

و اسکان هندسی و از این طریق حلقه اتصال میان ریاضیات را با معنای مابعدالطبیعی که از خصوصیات هندسه اقلیدسی است، محفوظ نگاه داشته است.

گسترش این علم در حال حاضر در کشور ما به جهت آنکه نیاز جامعه ما به ریاضیات بدلیل آفتی که بخصوص از سال ۵۴ به بعد در کل کشور در آن ایجاد شده است، یعنی از ۲۹ درصد دانش آموزان متوسطه که در آموزش متوسطه تحصیل میکردند به ۷ درصد در حال حاضر رسیده است.

کمبود دانش آموز در رشته ریاضی سبب خواهد شد که درسهای آینده علاوه بر اینکه دانشگاههای صنعتی و دانشکده های فنی با کمبود دانشجو روبرو خواهند بود، دبیر ریاضی نیز باندازه کافی جهت تدریس این درس مهم نداشته باشیم.

لذا طی نشست های مکرری که با دبیران و صاحب نظران این رشته داشتیم اقدام بجمع آوری نظریات و پیشنهادات آنها پیرامون بهبود کیفی و افزایش کمی دانش آموز در این رشته جهت تامین نیازهای صنعتی و فنی آینده کشور خود نمودیم.

مشکلات مطرح شده:

الف - ضعف روش تدریس ریاضی

در دبستان .

ب - کمبود معلم و وزییده در کلاسهای چهارم و پنجم دبستان .

ج - ضعف روش تدریس ریاضی در دوره راهنمایی .

و - کمبود معلم و وزییده و کارآمد در مدارس راهنمایی .

ه - ضعف علمی بعضی از دبیران ریاضی در سطح آموزش متوسطه .

پیشنهادات کلی در رفع مشکلات که امید است بمنظور جذب دانش آموزان برشته ریاضی مورد توجه قرار گیرد .

۱- با استفاده از تجارب معلمین یا سابقه در مورد تدریس صحیح ریاضیات و رفع نقیصه روش تدریس ریاضی توسط آموزگاران اقدام لازم بعمل آورده و در ناحیه یا منطقه از وجود بهترین آموزگاران برای سرکشی بکلاسهای دبستان بخصوص سال چهارم و پنجم اقدام و در جلسات هفتگی کتاب ها را تدریس نمود .

۲- برای کلاسهای چهارم و پنجم دبستان آموزگاران مخصوص جهت تدریس ریاضی انتخاب و تربیت نمود تا با تسلط بر کتابهای مزبور در رشد و یادگیری دانش آموزان در زمینه ریاضیات قدم های مؤثری ارائه شود .

۳- دوره های بازآموزی در طول



سال تحصیلی ویا درایام تابستان کمک مؤثری رامی تواندد در زمینه بهبود روش تدریس ریاضیات داشته باشد.

۴- کتابهای سال اول و دوم راهنمایی مورد تجدید نظر مجدد قرار گرفته و متناسب با ساعات کلاسی نوشته شود تا فرصت بیشتری برای حل تمرین های کتاب وجود داشته باشد.

۵- بدروس هندسه و رسم در دوره راهنمایی اهمیت بیشتری داده شود و در صورت امکان هندسه و رسم از همدیگر تفکیک و بصورت مجزا تدریس و ارزشیابی شود.

۶- برای انتخاب رشته تست های مخصوص (بویژه ریاضی) در رشته ریاضی تهیه و ازدانش آموزان توسط تست امتحان بعمل آید تا با در نظر گرفتن نمره تست اقدام به انتخاب رشته نمایند.

۷- از دبیران مجرب دبیرستانها در سال اول برای راهنمایی دانش آموزان جهت جذب رشته ریاضی استفاده بعمل آید.

۸- دست اندرکاران آموزش و پرورش بوسیله تبلیغات از طریق رسانه های گروهی بخصوص تلویزیون کاربرد و نقش ریاضیات را برای دانش آموزان گوشه سرد نمایند.

۹- بمنظور راهنمایی صحیح دانش آموزان هم در میان دوره راهنمایی وهم پس از پایان سال اول دبیرستان از وجود آگاهان بمسائل روانشناسی و تعلیم و تربیت استفاده نمایند زیرا این افراد بخوبی می توانند بدون تعصب راهنمایی های لازم را ارائه دهند.

۱۰- در دوره های تربیت معلم با آشنا نمودن دانشجویان بسا کتابها و روش تدریس می توان کمک مفیدی جهت هرچه بهتر شدن تدریس نمود (گرچه اینکار صورت می گیرد ولی بطور محدود است)

۱۱- به نظر میرسد کاربرد ریاضیات حتی برای بعضی از دبیران ریاضی کاملاً مشخص نشده است می توان بوسیله جزوات و نشریات اطلاعات وسیعی را در زمینه کاربرد ریاضیات در اختیار آنان قرارداد و توسط این قبیل همکاران انگیزه و علاقه بر ریاضیات را در دانش آموزان بیشتر نمود.

۱۲- باتشویق و تقدیر از دبیران ریاضی فعال بهترین روش تدریس ریاضی را توسط رسانه های گروهی بدیگران ارائه داد و بامشاهده آن کمکی به تدریس ریاضیات نمود.

۱۳- در حال حاضر در بعضی از

نواحی و مناطق به ریاضیات مدارس پسرانه اهمیت داده می شود و از مدارس دخترانه یاس چشم پوشی شده ویا بآن کمتر اهمیت می دهند در حالیکه اگر در مدارس دخترانه ریاضیات اهمیت بیشتری داده شود از فرهنگ ریاضی غنی تری در آینده برخوردار خواهیم شد

۱۴- استفاده از وجود دبیرانیکه در شرف بازنشستگی هستند می تواند در رفع ضعف تدریس ریاضی بسیار مؤثر و مفید واقع گردد.

۱۵- ریاضیات باید در سال اول تجربی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد زیرا اگر مطالبی را در سال چهارم حذف نمایند برای دانش آموز مشکلی پیش نخواهد آورد و اگر در دانشگاه موفق شود آنجا ادامه خواهد داد ولی این کار در صورت تساهل در اول تجربی جبران ناپذیر خواهد بود.

۱۶- برای بهبود وضع تدریس همکاران جوان در آموزش متوسطه و رفع نقیصه روش تدریس پیشنهاد می شود سال به سال از وجود آنها برای تدریس کلاسهای بالاتر استفاده شود تا برای جانشینی دبیران باتجربه و با سابقه ای که در شرف بازنشستگی هستند یکباره خلاء ایجاد نشود.

۱۷- برای علاقمند نمودن دانش

آموزان به رشته ریاضی بخصوص کسانیکه استعداد و توانائی کافی در تحصیل این رشته را دارند، باید امکانات لازم بویژه معلم مناسب را آماده نمود.

۱۸- برای بهبود کیفی آموزش متوسطه می توان ضوابطی تعیین نمود که دانش آموزان با استعداد ادامه تحصیل دهند و از ورود دانش آموزان کم

استعداد ویایی استعداد با آموزش متوسطه جلوگیری نموده و اینهمه هزینه های بیش از حد را صرف کسانیکه در آینده با کسب این معلومات اندک کاربردی در جامعه ندارند ننمود.

۱۹- چون دانش آموزان ما نسبت به دانش آموزان کشورهای پیشرفته در قسمت نظری کمبودی ندارند باید در رفع کمبود عملی

ریاضی آنها نیز اقدام لازم بعمل آوریم تا برای دستیابی بخود کفائی علمی هرچه سریعتر گامهای مؤثری برداریم.

ومن الله التوفیق
کمیته برنامه ریزی آموزش
متوسطه استان اصفهان



بقیه از صفحه ۲۱

نام ببریم که اهم آنها عبارتند از: وجود ابتلائات جنسی در بین اعضای خانه از پدر، مادر، برادر و خواهر و یا خویشان و کسان، فقدان تعلیم و تربیت صحیح در خانواده، وجود بی نظمی در زندگی و در خواب و استراحت و بستن مشترک برای فرزندان، وجود لمسهای غیر مشروع و یا نزدیک آمیز، دیدار مقاربتها از حیوانات و . . . که همه میتوانند تحریک کننده باشند و طبعاً باید برای آنها که زمینه ابتلائی دارند تحت کنترل درآیند.

در تقلید از این رفتار گاهی مسأله ای پدید می آید و آن اینکه ضمن آن احساس لذتی هم برای شان حاصل میشود که زمینه را برای نگرانی آن فراهم می آورد. بنابراین عمل غیر جنسی آنها که تنها صورت تقلیدی دارد به عمل جنسی و یا میل به هدفهای جنسی تبدیل میشود که فرجام آن لغزش است.

۱- دیگر عوامل محیطی:

در این زمینه از عوامل متعدد دیگری باید

بقیه از صفحه ۳

و برداختن نسل انقلاب نقش اساسی دارند تلاش اولیاء بدون همکاری مربیان مدرسه بی ثمر است و کوشش مربیان بدون مشارکت اولیاء نیز بجائی نمی رسد. این هردو باید احساس مسئولیت کنند و وجدانه برای رشد معنوی و کمال انسانی فرزندان بکوشند.

من . . . التوفیق پیوند

نهاد فرزندان برومندی بارآیند که آینده ساز خود و کشورشان باشند.

چه نیکو گفت شهید ارجمند باهنر عزیز

" رسالت تربیت نسل بردو شد و نهاد استوار است خانواده و مدرسه این هردو در ساختن